

گزارش

نشست تخصصی

«کالبدشکافی یک واقعہ: ۱۷ شہریور»

شوشگار علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی



نشست تخصصی «کالبدشکافی یک واقعه؛ ۱۷ شهریور»

دومین برنامه از سری نشستهای سیاسی؛ پیرامون تاریخ انقلاب اسلامی، با عنوان «کالبدشکافی یک واقعه؛ ۱۷ شهریور» توسط مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، و با همکاری فرهنگسرای «انقلاب» در محل موزه امام علی(ع) در تاریخ شانزدهم شهریور ماه ۱۳۸۳، با حضور جمعی از اساتید، نویسندگان و دانشجویان برگزار شد.

در این نشست حجت الاسلام والمسلمین معادیخواه* و جناب آقای هدایت الله بهبودی** به بررسی و تحلیل این واقعه پرداختند.

پس از برگزاری نماز عیدفطر در تپه‌های قیطریه تهران، از مردم خواسته شد تا در راهپیمایی روز شانزدهم شهریور شرکت کنند. در حین برگزاری این راهپیمایی ناگهان پیام: «فردا، میدان ژاله» در میان تظاهرات کنندگان طنین افکند، و دولتی که «آشتی ملی» را شعار خود برگزیده بود، با شدت و حدت هر چه بیشتر به سرکوب مردم پرداخت. اینکه این راهپیمایی چگونه شکل گرفت و چه کسانی آن را اعلام و هدایت کردند، همچنین اسناد ساواک در این مورد حاوی چه نکاتی است، و اینکه چرا حکومت، دست به چنین اقدامی زد و نیز نقش روحانیت، همگی، از جمله پرسشهایی است که در این نشست مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت.

از همین رو، با توجه به اهمیت موضوع و لزوم بازشکافی و بازنگری ابعاد مختلف این حادثه تاریخی، «فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی» گزارشی از این نشست را تقدیم می‌دارد:

- در ابتدای جلسه، «معادیخواه»، طی مقاله‌ای با عنوان «هویت واقعه ۱۷ شهریور»، نگاهی هویت شناسانه به این واقعه را مد نظر قرار داده و آن را مترتب به یک باور

* نویسنده، محقق و رئیس بنیاد تاریخ



دانستند بدین مضمون؛ که «هر رخدادی دارای یک هویت است».

ایشان افزودند قدر مشترکها بیش و کم آشکار است، اما اولویت با موضوعی است که قضیه ۱۷ شهریور را از سایر رخدادهای جدا می‌سازد و آن نقش هویتی ۱۷ شهریور است. آنچه که هویت واقعه ۱۷ شهریور را تشکیل می‌دهد، در حقیقت نقشی است که این رخداد، در شستشوی انقلاب اسلامی از شبیه وابستگی و اتهام نقش دیگران، برعهده دارد.

ایشان سپس چنین بیان داشتند که متأسفانه امروزه دوستانی به دلیل جهل یا تعصب و یا به دلایلی دیگر، انقلاب اسلامی را پدیده‌ای مستقل ندانسته و کاملاً نقش قدرتهای جهانی را در این واقعه تأثیرگذار می‌دانند.

معاذیخواه در ادامه بر این نکته تأکید نمودند که بنده زورمداران جهانی را مؤثر می‌دانم، اما معتقدم که آنها خدای تاریخ نیستند. و چنانچه رخداد ۱۷ شهریور نبود، چه بسا امکان آن بود که نشانه‌های زیادی را کنار هم قرار دهیم و این شبیه را در اذهان قوی سازیم که این آمریکا بود که فضای باز سیاسی ایجاد نمود؛ فضایی که به انقلاب اسلامی ایران منتهی گردد.

وی سپس افزودند اگر چنانچه ما حوادث سالهای ۵۷ و ۵۶ را پیگیری نماییم، متوجه می‌شویم که فضای ایجاد شده، فضای بدی نبود و اتفاقاً به خوبی هم پیش می‌رفت، تا اینکه حادثه‌ای این جریان را تغییر داد و آن رحلت فرزند بزرگ حضرت امام خمینی (ره) بود. این حادثه حرارت مبارزه را از خط قرمز فراتر برد بویژه در مراسم‌های متعدد چهلم، که اصلاً برای رژیم قابل هضم نبود.

وی سپس به این نکته اشاره نمودند که با همه این حرفها، آمریکا بی‌میل نبود. بویژه اینکه وقتی بناست که انقلاب به پیروزی برسد، آن را به اسم خود تمام کند؛ غافل از اینکه، حادثه ۱۷ شهریور با خون شهدا، چهره انقلاب را از این اتهام شست و شو داد؛ یعنی رژیم قصد داشت همانند ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با قتل عام مردم صداها را خفه کند و بقای خود را تضمین نماید، اما بر خلاف انتظار شاه و آمریکا، این قتل عام تأثیری بر مردم نگذاشت؛ بلکه خشم و نفرت مردم از رژیم را بیشتر کرد و آن غضبها را مهار نشدنی‌تر نمود و از نظر بنده، این «هویت ۱۷ شهریور است».

در ادامه سخنرانی، مطالبی را در خصوص نحوه سازماندهی راهپیماییها و مسائل

مربوط به حادثه ۱۷ شهریور بیان داشتند و اعلام کردند عنوانی که رسماً هدایت راهپیمائیه‌ها را برعهده داشت، «روحانیت مبارز تهران» بود، که البته در پشت صحنه «شورای انقلاب» قرار داشت. و در روز راهپیمایی ۱۶ شهریور شنیده شد: «فردا، میدان ژاله». برای هدایت کنندگان راهپیمایی؛ بویژه «شهید بهشتی» بسیار سوال برانگیز شد؛ بطوریکه ایشان گفتند: «ما از راهپیمایی فردا (۱۷ شهریور) اطلاعی نداریم.»

در ادامه جلسه، آقای بهبودی با مقاله‌ای تحت عنوان «واقعه ۱۷ شهریور در اسناد ساواک» ماه رمضان سال ۱۳۵۷ را به دلیل ماهیت نهضت - که جنبه‌ای کاملاً مذهبی داشت - حائز اهمیت دانسته و بیان داشتند مطابق اسناد و مدارک موجود، سخنرانیها و دستگیریها در این ماه، بشدت اوج گرفت؛ بطوریکه رژیم را دچار نگرانی زیادی نمود. سپس افزودند حادثه دیگری که در این ایام به وقوع پیوست «آتش سوزی سینما رکس آبادان» بود که تأثیری عمیق بر سخنرانیهای بعدی گذاشت و دولت را دچار بحرانی شدید نمود، چنانچه پس از آن، دولت «آموزگار» استعفا داده و به جای او «شریف امامی» به قدرت رسید.

ایشان اقدامات دولت شریف امامی، مشهور به «دولت آشتی ملی»؛ مانند بستن قمارخانه‌ها، تبدیل تاریخ شاهنشاهی به تاریخ هجری، تعقیب مفسدین، آزادی مطبوعات را حائز اهمیت بسیار دانستند. و بیان داشتند اگر چنانچه پشتوانه مبارزاتی حضرت امام خمینی (ره) نبود، چه بسا این اقدامات از سوی مردم پذیرفته میشد. بطوریکه حضرت امام (ره)، این اقدامات دولت شریف امامی را «عوام فریبی» نامیده و او را به گریه‌ای تشبیه نمودند که امروز زاهد شده است.

وی سپس مطالبی را در مورد چگونگی اعلام برگزاری مراسم نماز عید فطر و همچنین اعلام تعطیلی عمومی روز پنج شنبه ۱۶ شهریور، توسط دکتر مفتاح و فقدان واکنش مراجع قم بیان داشتند و ادامه دادند: آنچه در روز عید فطر اتفاق افتاد، از این جهت مهم بود که تا آن تاریخ، نظام شاهنشاهی تا این حد مردم را در خیابانها، علیه خود ندیده بود. دادن شعارهای مستقیم علیه شاه، گلباران مأموران شهرداری و غیره مسئله‌ای نبود که حکومت به راحتی از کنار آنها بگذرد.

سپس به بحث تعطیلی عمومی دکتر مفتاح اشاره نمودند و افزودند؛ روز چهارشنبه پانزدهم شهریور، روحانیت تهران برای تصمیم‌گیری درباره مطالب دکتر مفتاح تشکیل



جلسه داد، که منجر به نتیجه واحدی نگردید. در ادامه سخنرانی، آقای بهبودی، تظاهرات ۱۶ شهریور را موجب وحشت رژیم، و در نتیجه اعلام حکومت نظامی، برای جلوگیری از سقوط رژیم، دانستند و در مورد ماهیت انقلاب اسلامی بیان داشتند که شکافی عمیق میان مردم و حکومت ایجاد شده است، بطوریکه به تعبیری می‌توان پذیرفت که ارتباط میان این دو را می‌توان با پلی برقرار نمود؛ اما کاری که «۱۷ شهریور» کرد این بود که این فاصله را با خون پر نمود و به نظر می‌رسد که دیگر هیچ پلی روی خون نمی‌توان زد. افزودند، عمق این فاصله به حدی بود که سلسله حوادث پس از آن، چاره‌ای جز سقوط نظام شاهنشاهی نداشت.

- پس از سخنان آقای بهبودی، حجت الاسلام و المسلمین «معادیخواه» درباره موضوع افتراق روحانیت در مورد راهپیمایی روز ۱۶ شهریور چنین بیان داشتند: روحانیت معتقد بود اگر سه روز پیایی راهپیمایی برگزار شود، رمق مردم گرفته شده و از موفقیت آن کاسته می‌شود. از طرفی، احتمال خشونت هم می‌رفت و باید گفت که حتی اعلامیه لغو آن هم نوشته شد؛ اما پخش نشد. در پایان جلسه، آقای معادیخواه، به پرسشی در مورد عکس العمل حضرت امام خمینی (ره)، پس از برگزاری راهپیمایی چنین پاسخ دادند که راز تفاوت هفدهم شهریور با پانزدهم خرداد؛ مسئله حضور حضرت امام (ره) بود؛ یعنی در پانزدهم خرداد رابطه امام (ره) با مردم قطع شد و تصمیم‌گیری‌ها دچار نوعی تردید گردید؛ اما در حادثه ۱۷ شهریور امام از تیررس رژیم دور بودند، بنابراین ایشان بلافاصله پس از آن حادثه اعلامیه‌ای تند منتشر کردند.

نتیجه‌گیری

چنانکه اشاره شد، هر رخدادی دارای هویتی است و هویت ۱۷ شهریور نیز نقشی است که این واقعه در زدودن غبار اتهام و ابستگی نهضت انقلابی مردم ایران به قدرتهای جهانی، برعهده داشته است و باید گفت اگر نظامی برخاسته از بطن جامعه‌ای باشد، در مواقع بحرانی نیز می‌تواند به مردم و جامعه خود تکیه کند و بر بحرانها فایق آید؛ اما اگر نظامی خود را جدای از مردم جامعه خود بداند و به دیگران متوسل شود، در مواقع بحرانی تصمیماتی را خواهد گرفت که مطابق با مقتضیات زمانی و مکانی آن جامعه نیست؛ بنابراین واکنش در مقابل این تصمیمات، بسیار متفاوت خواهد بود. چنانکه نظام



شاهنشاهی نیز پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ را با هفدهم شهریور یکی دانست و عیناً همان تصمیمات را برای حفظ و بقای خود اتخاذ نمود؛ اما این قتل عام برخلاف سال ۱۳۴۲ تأثیری بر عزم و اراده مردم ایران؛ و بویژه رهبری این انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) نگذاشت؛ بلکه آن اراده را محکمتر نمود؛ بطوریکه روز به روز، پایه‌های رژیم شاهنشاهی سست‌تر و جریان انقلاب نیز استوارتر می‌گردید.

در پایان لازم به یادآوری است که آنچه به رغم تمام جوسازیه‌ها؛ بویژه اقدامات دولت شریف امامی و ایجاد فضای بازسیاسی، در رخداد هفدهم شهریور حائز اهمیت است، حمایت و پشتوانه جدی و اساسی مردم از روحانیت و همچنین عزم و اراده استوار مبارزاتی رهبری این انقلاب؛ حضرت امام خمینی (ره) است که روند پیروزی انقلاب را تسریع نموده و خون شهدای این واقعه عظیم؛ «۱۷ شهریور» را از قید وابستگی مبرا ساخت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی